

نگاه

آنچه بلوچ‌ها می‌خواهند

مهراب طوقی، مدرس دانشگاه

● بلوچستان ایران دومین منطقه وسیع و پهناور ایران است. بلوچ‌ها به جز ایران در بسیاری از مناطق جهان به‌خصوص پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و همچنین ممالک آفریقایی سکونت دارند. بلوچ‌ها از اقوام دیرپا و کهن ایرانی هستند که در باروری و غنای تمدن ایرانی و اسلامی مانند سایر اقوام این سرزمین باستانی نقشی ماندگار از خود بر جای نهاده‌اند. بدون شک در میان اقوام ایرانی، قومیت بلوچ از همه کمتر شناخته شده است. این کمترشناختگی عوامل سیاسی، اجتماعی و تاریخی خاص خود را دارد. هرگاه این کمترشناختگی را در کنار اطلاعات مخدوش از قوم بلوچ در جامعه ایرانی در نظر بگیریم، می‌توان گفت تصور عمومی از بلوچستان و مردم آن با قاچاق مواد مخدر و خشونت پیوند خورده است. این جفایی است که بلوچ به دلیل همسایگی‌اش با افغانستان به عنوان مهم‌ترین تولیدکننده مواد مخدر باید تحمل کند. در این میان صداسویم‌ا و بعضی از سینماگران با تولید و پخش برنامه‌ها و فیلم‌های خاص بر این تصور شدت می‌بخشد. بلوچ‌ها در طول تاریخ همیشه در مقابل هجوم فرهنگی و نظامی بیگانگان به مهن عزیز ایستادی و مقاومت کرده‌اند. زبان بلوچی یکی از باستانی‌ترین زبان‌های ایرانی بوده و اهل نظر آن را منطبق با متون اوستا (قدیمی‌ترین سند ادبیات ایران) می‌دانند. زبان بلوچی در بعضی موارد مقدار بیشتری از خصوصیات زبان‌های ایرانی قدیم را نسبت به دیگر زبان‌های ایرانی آن زمانند فارسی نو حفظ کرده است و همچنین توانسته است بسیاری از واژه‌های اصیل ایران قدیم را تاکنون بدون تغییر حفظ کند. بعد از ظهور اسلام این قوم با جان و دل این دین ضدطبقاتی و آزادگر را پذیرفته و (سیاه‌سوار بلوچ) که یکی از امرای یزدگرد بوده، بعد از پذیرش اسلام و ملحق‌شدن به سپاه مسلمانان، نقش مهمی در گسترش این دین و سرنگونی حکومت طبقاتی ساسانیان داشته است. در زمان قبل از انقلاب به ویژه رژیم پهلوی، بلوچستان محروم‌ترین منطقه ایران بوده و وضعیت نابسامان و میلیتاریستی حاکم و ژاندارم‌ها همه‌کاره امور بودند. با توجه به موقعیت جغرافیایی، بلوچستان می‌توانست منطقه‌ای آسیب‌پذیر برای نظام نوای انقلاب باشد. ولی بلوچ‌ها هرگز نخواستند مسیر خود را از ایرانیان جدا و نهال نوای انقلاب را ضربه‌پذیر کنند و در هر مقطع حساسی مانند جنگ تحمیلی خالصانه شرکت کردند. پس از جنگ با شروع دوران سازندگی، مردم بلوچستان انتظار داشتند دولت‌های وقت درصد دفع محرومیت، برقراری عدالت اجتماعی و توسعه منطقه برآیند اما با وجود همه خدمات و زحمات دولت‌های مختلف آمار فقر، بی‌کاری، بی‌سوادی، بازماندگی تحصیلی، اعتیاد و تبعیضات رو به تزاید و افزایش گذاشت. بلوچستان سرزمینی است با استعدادهای بالقوه انسانی و طبیعی که متأسفانه به محروم‌ترین نقطه کشور پهناور ما بدل شده است و اما اکنون نسل جوان بلوچ وارث کوه، دریا و دشت‌هایی است که کار زیربنایی و اساسی در آنها در حداقل ممکن انجام شده است و بی‌کاری به معنای واقعی کلمه در این دیار بیباد می‌کند و این معضل وحشت‌زا در کنار معضلات اجتماعی مانند اعتیاد، جوانان بلوچ را درد می‌کند. اگر اندک فرصت مرزهای زمینی و دریایی در همسایگی نبودند، خدا می‌دانست مردمان این مرز و بوم چگونه روزگار به سر می‌آوردند. جوان‌های بلوچ لقمه گروه به آن سوی مرزها کوچ می‌کنند تا شاید لقمه نانی به چنگ آورند. کوچ بلوچ قصه‌ای است پرغصه، داستان هجرتی خرن‌آور. هزاران نفر از بلوچ‌های ایران به علت بی‌کاری به آن سوی مرزها رفته و در آن نواحی مشغول به کارهای سخت و توان‌فرسا شده‌اند. در این میان گروه کثیری را هم به مشاغل کاذب واداشته است. بعد از حماسه ۲۹ اردیبهشت ۶۷ و انتخاب مجسد دکتر روحانی، امیددی در دل جوانان بلوچ جوشش و هنوز این امید در جوشش است. تحویل‌کردگان بلوچ باور کرده‌اند که جایگاهی برای آنها در نظر گرفته شده است. هرچند تاکنون نمادهای بسیار کم‌سویی از این‌نور امید را در عمل مشاهده کرده‌اند. آرای ۷۲٫۲درصدی مردم بلوچستان به رئیس‌جمهور روحانی در شرایط که رقیب انتخاباتی از دادن بارانه چندصد هزار تومانی سخن می‌گفت و رنج‌ها و گرفتاری‌های فراوان مردم این خطه از کشور را دربر گرفته بود، نشان دهنده امید مردم به تعمیق تغییر و تحول و بهبود زندگی در مناطق مرزی است. مهم‌ترین خواسته و مطالبه بلوچ‌های ایران اجرای کامل قانون اساسی به عنوان بلوچسید عادلانه بوده، فصل حقوق ملت به‌ویژه اصول ۱۲، ۱۹ و ۱۵ است که در واقع همان رفع تبعیضات در استخدام‌ها و انتصابات، آزادی و حرمت فرهنگی، تأمین حقوق شهروندی، تدریس زبان و ادبیات بلوچی در مدارس و دانشگاه‌های استان، مشارکت در برنامه توسعه سواحل مکران و همچنین توزیع عادلانه بودجه، امکانات و فرصت‌هاست. مردم بلوچستان مرزبانان ایران اسلامی هستند، بلوچستان عضو پیکره ایران است. امیدواریم با برآوردن خواسته‌های این قوم شاهد مشارکت‌دادن بلوچ‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کلان استانی و کشوری و توسعه پایدار و همه‌جانبه منطقه باشیم.

ادامه از صفحه ۶

دلایلی نیز می‌آورند که خودش در منطقه حضور دارد. این بحثی است که آنها مطرح می‌کنند و من درباره درست یا غلط آن نظری نمی‌دهم. نکته اینجاست که وقتی می‌گوییم آمریکا، باید تفاوت ترامپ با سیستم آمریکا را در نظر داشته باشیم. نگاه آمریکا به مسائل منطقه و بین‌الملل تفاوت دارد با نگاهی که ترامپ به مسائل دارد. گاهی ترامپ به دیدگاه‌های حاکم بر سیستم نزدیک شده و گاهی فاصله گرفته است. حضور ترامپ در عربستان مؤید نوع نگاه ترامپ به عربستان است. این نگاه مورد پذیرش اندیشمندان و دانشمندان نئوکان آمریکاست. آنها معتقد هستند که بعد از برجام ایران قدرتمند شد و بنا بر نظریه نیکسون نیاز به موازنه قدرت داریم و این معامله که درحال حاضر با عربستان انجام می‌دهند، ادامه نخله فکری نیکسون است.

ک‌ا به نظر شما دکترین توازن قوا و تقویت نظامی عربستان موفق خواهد بود؟

ذاکریان: ببینید ما به صورت مشخص در دانش روابط بین‌الملل دولت‌ها را دسته‌بندی می‌کنیم، یا دولت قوی داریم یا دولت ضعیف یا قدرت قوی داریم یا قدرت ضعیف. مثلاً روسیه یک دولت ضعیف و یک قدرت قوی است. دولت‌هایی مانند نوزیلند دولت‌های قوی و قدرت ضعیف هستند. روسیه و پاکستان کشورهایی هستند با قدرت‌های قوی و دولت ضعیف. آمریکا هم دولت قوی و هم قدرت قوی است. عربستان سعودی سعی می‌کند خود را به یک قدرت قوی تبدیل کند. اما در این راستا بیشتر به منابع اولیه و معدنی متکی است و می‌خواهد با توان بیناراستنی این فقدان را جبران کند. کشورهای دیگری که اندیشمندتر بودند مثل قطر و امارات سعی کردند از منابع طبیعی خودشان در راستای سرویس و خدمات استفاده کنند و امروزه دارند به دولت‌ها و قدرت‌های قوی تبدیل می‌شوند. درباره اینکه چقدر عربستان می‌تواند موفق باشد نیز می‌بینید که دارد مسیر اشتباهی را طی می‌کند. این هشدار را باید در داخل نیز بدھیم که مبدا مسیری را برویم که هم دولت ضعیف بشویم و هم قدرت ضعیف.

ک‌ا شما فکر می‌کنید با توجه به راهی که عربستان و آمریکا در پیش گرفته‌اند، معادلات منطقه به کدام سمت پیش می‌رود؟
تفرشی: من زیاد جنبه‌های نظامی را جدی نمی‌بینم. سیگنال‌هایی که از بخش اقتصادی می‌آید، این است که آینده روشن خواهد بود. گاهی پذیرش رقمی که اعلام می‌شود یعنی ۳۵۰ میلیارد دلار که حتی تا ۴۵۰ میلیارد دلار هم شنیده می‌شود، سخت است. سال قبل عربستان حدود ۱۱۰ میلیارد کسری موازنه داشت، آیا می‌تواند دوباره این‌قدر فقیرتر شود؟ اگر این‌طور باشد، از یک لحاظ برای ما خوب است چون عربستان سعی

خواهد کرد برای جبران آن قیمت نفت را بالا ببرد بنابراین آخرین اعمال فشار به سایرین با حربه قیمت نفت از او گرفته خواهد شد. فکر می‌کنم منطقه ما نیاز به جنگ‌های جدیدتر ندارد، در بحرین به این کوچکی هنوز نتوانسته‌اند صلح را برقرار کنند. الان با تقابل دو استراتژی «قدرت منطق و منطق قدرت» در سطوح کلان و جهانی مواجه هستیم. استراتژی منطق قدرت با همان Logic Of Power کارایی زمان جنگ سرد را ندارد. ملت‌ها با دسترسی سریع به اطلاعات سریع به جمع‌بندی و واقعیت امر رسیده‌اند و فریب‌دادن آنها تقریباً غیرممکن است. آنچه شوری را از هم پاشید، ضعف اقتصادی بود. آن‌دیده‌شت ۶۷ و انتخاب مجدد دکتر روحانی، امیددی در دل جوانان بلوچ جوشش و هنوز این امید در جوشش است. تحویل‌کردگان بلوچ باور کرده‌اند که جایگاهی برای آنها در نظر گرفته شده است. هرچند تاکنون نمادهای بسیار کم‌سویی از این‌نور امید را در عمل مشاهده کرده‌اند. آرای ۷۲٫۲درصدی مردم بلوچستان به رئیس‌جمهور روحانی در شرایط که رقیب انتخاباتی از دادن بارانه چندصد هزار تومانی سخن می‌گفت و رنج‌ها و گرفتاری‌های فراوان مردم این خطه از کشور را دربر گرفته بود، نشان دهنده امید مردم به تعمیق تغییر و تحول و بهبود زندگی در مناطق مرزی است. مهم‌ترین خواسته و مطالبه بلوچ‌های ایران اجرای کامل قانون اساسی به عنوان بلوچسید عادلانه بوده، فصل حقوق ملت به‌ویژه اصول ۱۲، ۱۹ و ۱۵ است که در واقع همان رفع تبعیضات در استخدام‌ها و انتصابات، آزادی و حرمت فرهنگی، تأمین حقوق شهروندی، تدریس زبان و ادبیات بلوچی در مدارس و دانشگاه‌های استان، مشارکت در برنامه توسعه سواحل مکران و همچنین توزیع عادلانه بودجه، امکانات و فرصت‌هاست. مردم بلوچسید عادلانه بوده، فصل حقوق ملت به‌ویژه اصول ۱۲، ۱۹ و ۱۵ است که در واقع همان رفع تبعیضات در استخدام‌ها و انتصابات، آزادی و حرمت فرهنگی، تأمین حقوق شهروندی، تدریس زبان و ادبیات بلوچی در مدارس و دانشگاه‌های استان، مشارکت در برنامه توسعه سواحل مکران و همچنین توزیع عادلانه بودجه، امکانات و فرصت‌هاست. مردم بلوچستان مرزبانان ایران اسلامی هستند، بلوچستان عضو پیکره ایران است. امیدواریم با برآوردن خواسته‌های این قوم شاهد مشارکت‌دادن بلوچ‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کلان استانی و کشوری و توسعه پایدار و همه‌جانبه منطقه باشیم.

دیپلماسی

صلح مسلح



عکس: Reuters

قطر می‌خواهد میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ باشد و از الان دارد تبلیغ می‌کند و میلیاردها دلار هزینه کرده است. رشوه‌های سنگینی پرداختند که توانستند انگلستان را شکست دهند. حالا قطر بیاید پشت سر عربستان و کارهای افراطی بکند؟! در مجموع فکر نمی‌کنم این قراردادها در مرحله عمل به ظرفیتی در مسیر افزایش افراطی‌گریایی بیشتر تبدیل شود. عربستان فقط خواست پرستیز بیشتری خصوصاً نزد اعراب منطقه برای خود دست و پا کند و نقش نماینده جهان عرب و در مرحله بعد نماینده جهان اسلام در مهندسی ترتیبات صلح با اسرائیل را بازی کند.

ک‌ا کدام گفته می‌شود که ترامپ کاسبکار است اما در این معامله دولت او چه منفعت سیاسی‌ای دارد؟

ابوالفتح: این یکی از ویژگی‌های آمریکایی‌هاست که عدد را به یک عدد بزرگ تبدیل می‌کنند. مثلاً ترامپ می‌گوید ما ۲۵ میلیون شغل ایجاد خواهیم کرد اما در ۱۰ سال، آن عدد ۲۵ فار خودش را می‌کند ولی وقتی تقسیم می‌کنیم، می‌بینیم می‌شود سالی دودنیم میلیون شغل که ابواما سالی دومیلیون و ۳۰۰ هزار شغل ایجاد می‌کرده است. یا مثلاً می‌گویند ما می‌خواهیم بودجه وزارت دفاع را ۵۰۰ میلیارد دلار کاهش دهیم، همه می‌گویند این عدد خیلی بزرگ است، بعد متوجه می‌شویم در ۱۰ سال قرار است کاهش دهند. درمورد این معامله هم همین کار را کرده‌اند. ۱۱۰ میلیارد دلار در ۱۰ سال. این‌عدد خیلی بزرگ بود و در افکار عمومی ایران نوعی نگرانی ایجاد کرد که گوئی آمریکا می‌خواهد کل زرادخانه تسلیحاتی خود را در عربستان بریزد. نکته بعدی اینکه، آیا امکان تقابل افزایش یافته است؟ یک الگو در دادر و تاتوی عربی علیه ایران به‌وجود آمده است و به‌نظم با واقعیت‌ها زیاد هم‌خوان نیست.

ک‌ا به‌رحال این نگرانی در افکار عمومی ایران، مخصوصاً بعد از سفر ترامپ به عربستان و اسرائیل به‌وجود آمده است. آیا جای نگرانی نیست وقتی می‌بینیم اسرائیلی که همواره به انباشت سلاح در عربستان حساس بود، این‌بار چیزی نمی‌گوید؟
تفرشی: فکر می‌کنم این عدادی که مطرح می‌شود زیاد واقعی نیست یا اینکه خیلی به عربستان گران فروخته‌اند. از طرف دیگر خیلی از این‌هاویماها در آمریکا نگهداری می‌شوند؛ یعنی گفته‌اند که این

شاید به نوعی درباره ایران نیز در حال انجام است. یعنی احتمال جنگ را به ماکسیمم می‌رساند و مسئولان ایرانی و افکار عمومی داخل و جامعه جهانی احتمال جنگ را قریب‌الوقوع می‌دانند. در آن نقطه است که دست بالا را دارند و می‌گویند حالا اگر نمی‌خواهید جنگ بشود، باید مذاکره کنید. شاید مابازاری این تقابل و این خط‌ونشان‌کشیدن و فضاسازی است برای اینکه امکان یک مذاکره مطلوب را در آینده بیشتر کنند. حالا ایران تن می‌دهد یا تن نمی‌دهد، کاری ندارم.

ک‌ا پس به دنبال دست‌بالتر هستند، فکر می‌کنید با این الگو می‌توانند موفق باشند؟
ابوالفتح: نکته بعدی نیز این است که وقتی با طرحی مواجه می‌شویم که آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند باید ببینیم امکان تحقق آن چقدر است. دوستان اشاره داشتند الان دعای ۵۰ساله است بر سر رهبری جهان اسلام و رهبری جهان عرب. مصر از زمان جمال عبدالناصر داعیه‌دار رهبری جهان عرب بوده است.

اینکه عربستان این‌وسط تبدیل شود به رهبر جهان عرب کمی دور از ذهن است. قطعاً برنامه‌های دیپلماتیک و نشست و برخاست‌ها انجام می‌شود، اما وقتی برمی‌گردند دوباره دعوایشان می‌شود. وقتی جنگ ایران و عراق شروع شد، شورای همکاری خلیج‌فارس به‌وجود آمد و همه گفتند که یک ائتلاف عربی در راه است، اما نتیجه چه شد؟ این کشورها آن‌قدر بین خودشان دعوا دارند که به این راحتی نمی‌توانند علیه کشوری مثل ایران ائتلاف کنند، به‌خصوص اگر تهدیدی که از آن حرف می‌زنند تهدید غیرواقعی باشد.

با این حال عملکرد عرب‌ها در مدیریت جنگ‌ها موفق نبوده که جنگ شش‌روزه یکی از مصادیق آن است. در نهایت فکر می‌کنم این تسلیحات به فرض صحت و حتی دادن اختیار مدیریت آن به خریدار نهایتاً منجر به تنش بیشتر با ایران و درکل برهم‌خوردن ترتیبات فعلی حاکم بر صلح در خاورمیانه نخواهد شد.

ک‌ا آقای ذاکریان نظر شما چیست؟

ذاکریان: موافقم که ملت قوام‌دهنده یک کشور در عرصه بین‌المللی هستند. به نظر من دولت‌ها باید علناً ارزش را تأمین کنند؛ آزادی، امنیت، رفاه، عدالت و نظم. اگر اینها را بتوانند کامل تأمین کنند می‌شوند دولت قوی. کشورهایی مثل عربستان سعودی این مؤلفه‌ها را ندارند و فقط بر امنیت تکیه می‌زنند و به مؤلفه‌هایی مثل آزادی، عدالت و رفاه توجهی نکرده‌اند. بنابراین وقتی وارد معادلات منطقه می‌شوند و از بحث تعامل با ایالات متحده آمریکا صحبت می‌کنند، روی بحث سلاح تمرکز می‌کنند. همه کشورها در دنیا مسلح هستند، منتها دو جنبه دارد: بعضی از کشورها از اسلحه برای پشتیبانی از کشور خود استفاده می‌کنند و بعضی‌ها از سلاح برای جنگ استفاده می‌کنند. ما حکومت جهانی نداریم که کشورها را کنترل کند تا از اسلحه درست استفاده شود، پس، زمانی که عربستان مسلح می‌شود، قطعاً ایالات متحده نگرانی‌هایی را برای آینده خواهد داشت. چون عربستان کشوری است که از دموکراسی و آزادی برخوردار نیست و می‌تواند در آینده مشکل‌ساز شود.

این سؤال پیش می‌آید پس چرا آمریکایی‌ها این‌قدر در حمایت از کشورهای اقتدارگرای منطقه خاورمیانه مصر هستند؟ برای اینکه گزینه بعدی دموکراسی است. اگر شما دموکراسی را در منطقه اجرا کنید، چه کسانی رای می‌آورند؟ سلفی‌ها، ما باید این‌را بپذیریم که منطقه ما یک منطقه پرهمند از حقوق بشر و دموکراسی نیست. من نمی‌خواهم بگویم کشور ما خیلی موفق است؛ این جامعه در زمان‌هایی مدنیت را از خود نشان می‌دهد و در زمان‌هایی مدنیت را از خود نشان نمی‌دهد؛ یعنی ممکن است رفتارهای غیرمدنی را از خود بروز دهد. این برمی‌گردد به رفتار شرقی؛ وقتی رفتار شرقی در منطقه حضور داشته باشد، شهروند ایرانی متناقض می‌شود، متعارض می‌شود؛ یعنی پارادوکسیکال می‌شود؛ یک روز خیلی قانونمند است و یک روز به‌راحتی از ورود ممنوع رد می‌شود، حتی آن شخص فرهیخته، ولی منطقه ما، خلاف ایران است؛ ما بیسیم به‌شدت مسلط است و اگر انتخاباتی بشود این حکومت‌های اقتدارگرای امرای غرب خواهند رفت و حکومت‌هایی به قدرت خواهند رسید که از جنس داعش‌اند. بر همین مناسبت که آمریکایی‌ها، هم درباره ضعیف‌شدن دولت اقتدارگرای سعودی و هم درباره قدرتمندشدن بیش از حد حاکم سعودی، احتیاط می‌کنند.

ک‌ا آقای مجلسی برای جمع‌بندی بحث بفرمایید این وضعیت چقدر برای ایران فرصت و تا چه اندازه تهدید است؟

مجلسی: من از احساسی که پیش آمده، استقبال می‌کنم. خوب است که یک مقدار نگران باشیم تا بهتر ایران فرصت و تا چه اندازه تهدید است؟

قطع‌نامه‌های شورای امنیت ملل متحد تن دیم؛ چون در این صورت، دیگر اسرائیل نمی‌تواند تسلیم قطع‌نامه‌های شورای امنیت نشود و به موضوع نقض و نقی موجودیتش متوصل نشود. آن‌وقت می‌توان دنبال تحریم او برآمد و برای احقاق حقوق مردم فلسطین و جبران خسارات با پشتیبانی عرب‌ها، عمل کرد. ایران به عنوان نزدیک‌ترین کشور به عرب‌ها، چه از نظر جغرافیایی، چه از نظر تاریخی و چه از نظر فرهنگی، این وظیفه اخلاقی را دارد که با وجود تمام دشمنی‌هایی که عرب‌ها با ما کرده‌اند، از آنها پشتیبانی کند. من فقط یک سؤال می‌کنم؟ ایران در این چند سال، بالاخره از اسرائیل به خاطر مطالباتی که از رژیم قبلی باقی مانده بود، به اتاق بازگانی بین‌المللی در ژنو شکایت کرد. اسرائیل به اتاق بازگانی لاهه درخواست بازنگری داد و در آنجا هم دولت ایران دوباره برنده شد. باید با همان خوانده که آنجا نوشتم و پیروز شدیم، وارد مبارزه شویم تا مسئله ما حل شود. بدون این کار، مسئله حل نمی‌شود؛ مگر یک راه‌حل که به قول هیتلر می‌شود «راه‌حل نهایی». اولاً آنها سعی می‌کنند ما را به جنگ‌های فرسایشی بکشانند. فرض کنید با ایران جنگ کنند، آنها می‌دانند در چند ساعت دیگر قطر و دوبی وجود نخواهد داشت، کویت و بحرینی وجود نخواهد داشت؛ ولی آیا عسلیوه و آبادان و بندر ما آسیب نمی‌بیند. آن‌گاه چه کسی به ریش ما می‌خندد؟ اسرائیل به عنوان فاتح کل می‌نشیند و به ریش تمام ما می‌خندد. بنابراین باید بهانه جنگ را از آنها گرفت. آن کسانی که از دیوار سفارت بالا رفته و یک عمل تهاجمی کردند، ما را به این روز می‌اندازند.

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

ادعای جدید کریمی‌قدوسی و یک پرواز سعودی

● حاشیه‌سازی‌های کریمی‌قدوسی برای دولت حسن روحانی و شخص محمدجواد ظریف، پایانی ندارد. او روز گذشته در جمع خبرنگاران در راهروی مجلس گفته که هوایمایی حامل فرماندهان نظامی سعودی حریم هوایی ایران را شکسته و بعد از تماس با ظریف و با نظر وزارت خارجه، هوایما به فرودگاه دمام عربستان بازگردانده شده است؛ اگرچه تا زمان تنظیم این گزارش، به این ادعا پاسخی داده نشد؛ اما به نظر می‌رسد طرح این ادعا بسیار دور از واقعیت است. نکته اصلی اینجاست که تصمیم‌گیری درباره وضعیت یک پرواز به وزیر خارجه کمترین ارتباط را دارد. به گزارش خانه ملت روایت حاشیه‌ساز کریمی‌قدوسی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، از ماجرای این پرواز این است «یک هوایمای نظامی سعودی شامل تعدادی از مقامات ارتش عربستان در آسمان ایران مورد رهگیری جنگنده‌های ایرانی قرار گرفته است. سیستم هوایمایی کشوری زیر نظر دولت از طریق فرودگاه مهرآباد تهران دستور بازگشت هوایمای سعودی را صادر کرد و سیستم پدافندی کشور در موضوع ورود پیدا نکرد.» او اضافه می‌کند «جنبشیه گذشته یک هوایمای نظامی سعودی با ذخیره سوخت بالا ضمن نقض حریم هوایی ایران از فرودگاه دمام به مقصد قریزبستان پرواز می‌کند. در این هوایما فرماندهان نظامی سعودی برای جلسه‌ای با مقامات آمریکایی درباره داعش حضور داشتند. مراقبت هوایی فرودگاه یزد هوایمای سعودی را رصد می‌کند و پس از آن از فرودگاه تهران استعلام می‌گیرد که اجازه پرواز در حریم هوایی ایران را دارد یا خیر که پس از آن مشخص می‌شود هوایمای سعودی اجازه پرواز در حریم هوایی را ندارد. بلافاصله بنا به دستور پدافند هوایی، هوایماهای جنگنده برای اسکورت این هوایما پرواز می‌کند. بنا به دستور پدافند ایران، هوایمای نظامی سعودی باید در فرودگاه شیراز فرود می‌آمد؛ اما آنها مدعی شدند که به دلیل حجم ذخیره سوخت از لحاظ فنی توانایی فرود ندارد. پس از این اتفاقات با آقای ظریف تماس برقرار می‌شود و با نظر وزارت امور خارجه این هوایما درنهایت به فرودگاه دمام عربستان بازمی‌گردد. هوایمای سعودی پس از بازگشت به فرودگاه دمام و به فاصله نیم ساعت بعد، از طریق خاک پاکستان و افغانستان به قریزبستان می‌شود تا جلسه نظامی مقامات نظامی عربستان با آمریکایی‌ها درباره آسیای میانه برگزار شود.» کریمی‌قدوسی با طرح این ادعاها گفته که «سیستم پدافندی و امنیتی کشورمان باید پیگیر نحوه ورود هوایمای سعودی به آسمان ایران و نقض حریم هوایی کشورمان می‌شد. ما پیگیر این هشتمین که چرا آقای ظریف تأکید کرده است که هوایمای سعودی به مبدا بازگردد. وزارت امور خارجه برای مسائل سیاسی و دیپلماتیک در موضوع هوایمای سعودی ورود کرده است. دستگاه دیپلماسی پس از ماجرای فرود اجباری هوایمای ایساف نسبت به عملکرد سیستم پدافندی معتدثر شده بود و خواهان استعلام از وزارت امور خارجه شده بود. سیستم هوایمایی کشوری زیر نظر دولت از طریق فرودگاه مهرآباد تهران دستور بازگشت هوایمای سعودی را صادر کرد و سیستم پدافندی کشور در موضوع ورود پیدا نکرد.» کریمی‌قدوسی یکی از مخالفان سرسخت دولت حسن روحانی است که در تمام دولت یازدهم دستگاه دیپلماسی و شخص جواد ظریف را مورد حمله قرار داده است. عجیب‌ترین اقدام خلاف امنیت ملی او انتشار متنی با این ادعا بود که نوار صوتی پیاوده‌شدن سخنان ظریف در کمیسیون امنیت ملی است؛ ادعایی که با واکنش خود نمایندگان مجلس مواجه‌شد و این اقدام را خلاف امنیت ملی اعلام کردند.

جدیدترین ادعای کریمی‌قدوسی زمانی مطرح شده که یک روز قبل از آن سیدمحمدوبیان، نماینده پیشین مجلس، ادعای دیگری درباره ظریف مطرح کرده بود. نویان گفته بود «ایران هسته‌ای‌اش را داد تا رابطه بانکی برقرار باشد، اما رابطه بانکی برقرار نشده است و یک‌سال‌وینست که آنها اجرا نمی‌کنند و برای برقراری رابطه بانکی یک شرط جدید گذاشته‌اند و گفته‌اند به شرطی رابطه بانکی را برقرار می‌کنیم که حاج‌قاسم سلیمانی را به ما تحویل دهید و رفته‌اند تعهد این کار را به آمریکا داده‌اند و برگشته‌اند، به خدا قسم، رژیم مملکت رفته است این تعهد (تحویل سردار سلیمانی) را به FATF (گروه مالی بین‌المللی) داده است.»

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در واکنش به این اظهارات گفت: «این نوع صحبت‌ها بی‌پروا و ناپسند است و نمی‌توانم باور کنم در ایران کسی بتواند تا این حد سخن بگوید.»

کریمی‌قدوسی نیز روز گذشته درباره ادعای نویان گفته «هیچ‌کس در دولت قدرت تحویل‌دادن سردار سلیمانی را ندارد. منطق خبری را که منتشر شده نمی‌دانم، قبول ندارم و گمان نمی‌کنم که صحیح باشد. اگر چنین سخنی صحیح بود، امروز آقای ظریف سر جایش نبود. فکر نمی‌کنم وزیر خارجه‌ای در جمهوری اسلامی جرئت چنین کارهایی را داشته باشد.» وی در ادامه تأکید کرد: آنچه تاکنون بیان داشته‌ام، همیشه مستند بوده است و آنچه درباره جاسوسی یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای نیز مطرح کرده بودم، در دادگاه در حال بررسی است.